

نگاهی به روابط دیپلماتیک ایران و بلژیک و مستشاران بلژیکی

عباس رضایپور^۱

چکیده

بنا بر بسیاری از مأخذ تاریخی، تاریخ اولین تماس‌های دیپلماتیک میان ایران و بلژیک، سال 1841م. بوده است. روابط دو کشور از زمان ورود مستشاران بلژیکی برای اداره گمرکات، پست و مالیه ایران به اوج رسید و مدیریت بلژیکی‌ها بر گمرکات برای ضمانت قرضه‌های ایران، تحول عمده‌ای در روابط ایران و این کشور اروپایی بوجود آورد. در این مقاله، جزئیات روند برقراری روابط میان دو کشور ایران و بلژیک، تأسیس سفارتخانه‌ها و فعالیت بلژیکی‌ها بر اساس اسناد آرشیو وزارت امور خارجه ایران بررسی شده است.

• واژگان کلیدی

ایران، بلژیک، روابط دیپلماتیک، مستشاران بلژیکی.

تاریخ دریافت مقاله: 1393/5/1

تاریخ پذیرش مقاله: 1393/8/17

1. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Email: abbasrezapur@yahoo.com

مقدمه

قلمرو بلژیک از قرن ۱۸ میلادی به بعد، تحت نفوذ و حتی جزئی از قلمروی اتریش (۱۷۹۲-۱۷۱۶م)، فرانسه (۱۸۱۴-۱۷۹۴م) و هلند (۱۸۳۰-۱۸۱۴م) بوده است. در سال ۱۸۳۱م. بلژیکی‌ها پس از ماجراهای بسیار، به استقلال دست یافتند و لئوپولد اول به عنوان اولین امپراتور این کشور، به سلطنت رسید. آغاز تماس‌های دیپلماتیک میان ایران و بلژیک به دوران محمد شاه قاجار می‌رسد. بلژیکی‌ها پس از برقراری رابطه دیپلماتیک با دربار عثمانی در سال ۱۸۳۸م. با جعفرخان مشیرالدوله، وزیر مختار ایران در استانبول برای برقراری روابط با ایران وارد مذاکره شدند. این مذاکرات، در ۱۸۴۱م. به انعقاد اولین عهدنامه مودت و تجارت میان دو کشور منجر گردید.

روابط دو کشور در عهد ناصری و در جریان سفر فرخ خان امین الملک، ایلچی کبیر ایران به اروپا برای حلّ و فصل منازعه با انگلیس در قضیه انفصال هرات و کوشش بروکسل برای میانجی‌گری میان تهران و لندن، وارد مرحله جدیدی شد. با امضای دومین عهدنامه میان دو کشور در سال ۱۸۵۷م. هیأت‌هایی به پایتخت‌های یکدیگر سفر کردند. از سوی دیگر، در روند اعطای امتیازات به کشورهای مختلف، همچنین ورود برخی صنایع و کارخانجات به ایران و لزوم افزایش تماس‌ها میان دو کشور، سفارت ایران در بروکسل و اندکی بعد سفارت بلژیک در تهران گشایش یافت. استخدام مستشاران بلژیکی در ایران، برآیندی از سیاست‌ها و نیازهای اقتصادی روسیه و انگلستان در ایران بود و نقطه عطف در روابط دو کشور محسوب می‌شود. در این مقاله به استناد اسناد

آرشیو وزارت امور خارجه ایران و چند مأخذ دست اول فرانسوی زبان و با روش توصیفی-تحلیلی، این موضوعات بررسی خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در باره سابقه روابط ایران و بلژیک، با محوریت حضور کارشناسان بلژیکی در بخش‌های گمرکات، مالیه و پست، مهم‌ترین اثر تحقیقی، مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران، نوشته آنت دستره و ترجمه دکتر منصوره اتحادیه (نظام مافی) است. همچنین این آثار، شامل اطلاعاتی کلی در این باره‌اند: تاریخ گمرک ایران به قلم مجید یکتایی، بلژیک، نوشته اسفندیار امیدبخش، استقلال گمرکی ایران از رضا صفی‌نیا و کتاب سبز بلژیک چاپ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، کتاب بلژیک پایتخت اروپا و چگونگی اداره آن، نوشته سید مهدی پیراسته سفیر ایران در بروکسل و لوکزامبورگ و رئیس هیأت ایرانی در بازار مشترک اروپا (1350-1346 ش).- اگر چه پژوهشی کاربردی محسوب می‌شود، اما مؤلف از اسناد موجود در آرشیو وزارت خارجه ایران استفاده نکرده است- گرچه در بسیاری از آثار و مأخذ مربوط به تاریخ روابط خارجی ایران، اشاره‌هایی به روابط دو جانبه و امضای معاهدات هست، با این حال، با توجه به اینکه در هیچ یک، اسناد موجود در این باب بررسی نشده است را نمی‌توان جامع تلقی کرد.

مایه شگفتی است که پژوهشگران تاکنون به منابع غربی توجه نکرده‌اند:

کتاب لئوپلد اول و زمامداری‌اش^۱ که به مناسبت صدمین سالگرد مرگ وی در 1965م. در بلژیک منتشر شد و دیگری، کتاب تاریخ روابط دیپلماتیک و تاریخی هلند و

1. Leopold 1er et son regne

بلژیک با ایران از قرن شانزدهم میلادی تا به امروز (Galaway, 1873) از جمله مهم‌ترین مآخذ غیر ایرانی در باره تاریخ روابط ایران و بلژیک است.

روابط ایران و بلژیک پیش از سال ۱۸۳۱ م.

در دوران صفویه اگر چه هلندی‌ها نقش فعالی در تجارت با ایران داشتند، اما دست کم در اسناد فارسی این دوره، اشاره‌ای به بلژیک دیده نمی‌شود. در بررسی‌ها، اشاره‌ای به وضعیت روابط دو طرف در دوران پیش از استقلال بلژیک در ۱۸۳۱ م. نیز یافت نشد.

در دوران تسلط اتریش بر بلژیک نیز هیچ سند و گزارشی از روابط میان ایران و بلژیک به ثبت نرسیده است؛ احتمالاً به سبب تمایل و گرایش خاص بلژیکی‌ها به تجارت با آفریقا و هند. تمایل آنها در رقابت تجارتي با هلندی‌ها، موجب شد یک کمپانی تجارتي به نام اوستند^۱، تأسیس کنند. گر چه این کمپانی، مراکزی در کنگو، بنگال و گینه دایر کرد، اما بر اثر حوادثی، به انحلال رسید و امید و آرزوی بلژیکی‌ها برای تجارت مستقیم نقش بر آب شد. به همین سبب، در حال حاضر تا زمان سلطنت ناپلئون بناپارت، سند یا گزارشی حاکی از روابط دیپلماتیک بلژیکی‌ها با ایران در دست نیست (Galaway, 1873: 47).

سرآغاز روابط سیاسی ایران و بلژیک

در باب انگیزه اصلی و تمایل بلژیک به برقراری روابط با عثمانی و به طور کلی مشرق زمین، می‌توان به نامه محرمانه لرد پونسون بای^۲، مشاور و منشی ویژه ملکه انگلستان برای لئوپولد اول در ۳۰ دسامبر ۱۸۳۷ اشاره کرد. در این نامه به لئوپولد

1. Ostende

2. Lord H.F. Ponsonby

پیشنهاد شده بود تا با عثمانی و کشورهای مشرق زمین، روابط دیپلماتیک برقرار کند. این نامه پس از ترجمه به زبان فرانسه، برای اظهار نظر به وزیر امور خارجه و وزیر داخله بلژیک ارائه شد. بی‌گمان، رابطه خویشاوندی میان پادشاه بلژیک و ملکه انگلیس (Leopold) (1er et son Regne, 1965:272) در ارائه این پیشنهاد از سوی دربار انگلستان به لئوپولد اول، بی‌تأثیر نبوده است. پس از آن، بلژیکی‌ها به سرعت دست به کار شدند و در 21 مارس سال 1838 در کمتر از سه ماه، دولت بلژیک با تصویب اعتباری معادل دویست هزار فرانک به وزارت امور خارجه این کشور اجازه داد تا در قسطنطنیه سفارتخانه‌ای تأسیس کند (ibid:92). در ژوئن همان سال نیز، با کوشش بلژیکی‌ها و احتمالاً با استفاده از نفوذ انگلیسی‌ها در میان مقامات عثمانی، عهدنامه مودت، تجارت و دریانوردی میان بلژیک و باب عالی به امضاء رسید.

نکته قابل توجه در باره روابط، نامه‌ای است که در 30 دسامبر 1837 لرد پونسون بای به لئوپولد اول نوشت. او در نامه اصرار کرده بود که از طرف بلژیکی‌ها به مقامات عثمانی که از نفوذ خود برای ایجاد رابطه دیپلماتیک با دربار عثمانی استفاده کرده‌اند، پاداش داده شود (ibid:183).

در خصوص روابط با ایران، اکثر مآخذ، اولین مرآده سیاسی میان ایران و بلژیک را سال 1841م. دوران سلطنت محمد شاه قاجار ذکر کرده‌اند. در این سال، اولین عهدنامه مودت و تجارت میان دو کشور در استانبول به امضای میرزا جعفر خان مشیرالدوله^۱، وزیر مختار وقت ایران در قسطنطنیه و بارون فرانسوا ژان دزیره بهر^۱، وزیر

1. میرزا سید جعفر خان مهندس باشی، مشیرالدوله، از سال 1252 تا 1259ق. وزیر مختار ایران در عثمانی بود. وی در همین سال (1257ق) معاهده ای با اسپانیا در اسلامبول امضاء کرد. او نقش مهمی در تحدید مرزهای ایران و عثمانی داشت و بعدها وزیر مختار ایران در لندن شد.

مختار بلژیک مقیم در باب عالی رسید. نامه‌های ارسالی از وزیر مختار بلژیک به میرزا جعفر خان به تاریخ ۱۸۳۸م. است و می‌توان آنها را نخستین اسناد مبادله شده میان مقامات دو کشور تلقی کرد. بنابراین، درست در همان سالی که بلژیکی‌ها روابط با باب عالی را آغاز کردند، کوشش برای ایجاد ارتباط و انعقاد عهدنامه مشابه با ایران را نیز در دستور کار قرار داده بودند

۱. «نامه ایلچی بلجیکا به میرزا جعفر خان در اسلامبول در اعلام عهدنامه تجارتي مابین عثمانی و بلجیک نوشته است و استدعا کرده که از جانب ایران نیز اعلام نامه برای تشویق تبعه بلجیک به تجارت ایران مثل سایر دول کامله الوداد به دولت بلجیکا نوشته شود». (۱۲ اکتبر ۱۸۳۸) (آرشیو اسناد قدیمه وزارت امور خارجه، ۲-۸-۴-۱۲۵۴ق.).

۲. «اعلام استقلال بلژیک و بیطرف بودن آن در جمیع محاربات اروپا و ارسال نسخه‌ای از عهدنامه مودت و تجارت منعقد شده بین بلژیک و باب عالی عثمانی در تاریخ ژوئن ۱۸۳۸» (همان: ۳-۸-۴-۱۲۵۴ق.). در حال حاضر، هیچ مکاتبه و گزارشی از سوابق و شرح روند امضای این عهدنامه در دست نیست.

دولت بلژیک تمایل داشت که بخش آخر ماده سوم عهدنامه مودت و تجارت سال ۱۸۴۱م. با ایران، بنا بر ملاحظات اقتصادی و گمرکی آن کشور تغییر کند. این ماده به شرح ذیل است:

۱. از دیپلمات‌های بلند پایه بلژیکی، که پیش از انتصاب به عنوان وزیر مختار در استانبول، وزیر مقیم در واشنگتن بود. وی تا تاریخ ۱۷ اوت ۱۸۴۳م. شغل وزیر مقیم در استانبول داشت و پس از آن، عنوان فرستاده ویژه و وزیر مختار بلژیک در دربار عثمانی را تا سال ۱۸۴۸م حفظ کرد. سفارت وی نزد شاه ایران نیز "اکردیته" بود و با سفر به تهران، مقدمات انعقاد عهدنامه مودت و تجارت را با دولت ایران فراهم آورد. بارون بهر پس از آن از سال ۱۸۵۳ تا ۱۸۵۴ یک ماموریت ویژه در گواتمالا را رهبری می کرد.

«مادهٔ سیم- اشخاصی که از تبعهٔ دولتیین بهیئتین به عنوان تجارت یا سیاحت به ممالک یکدیگر می‌روند یا توقف می‌نمایند در حق آنها لازمه احترام مرعی می‌شود، از عوارض و تقسیم معاف باشند و در وقت دخول و خروج به تجار دولت بلجیق از امتعهٔ تبعه دولتیین بهیئتین در یکجا از صدپنج گمرک زیاده مطالبه نشود و از امتعهٔ تجار دولت علیّهٔ ایران مثل تبعهٔ دولتیین متحابتین فرانسه و انگلیس موافق تعرفه رفتار گردد».

«دولت بلژیک ایران را متعهد ساخته بود که بر اساس تعرفه ثابت (صدی پنج) از کالاهای تجار بلژیکی گمرک دریافت کند، ولی نرخ و تعرفه گمرکی کالاهای ایران و تعهدات بازرگانان ایرانی مقیم بلژیک را در این مورد، تابع تعرفه گمرکی بلژیک در قبال کشورهای فرانسه و انگلیس قرار داده و از تعیین تعرفه نرخ ثابت در این باره خودداری کرده بود.» (شاکریان و فقیری، 1375: 201). در واقع همان شرطی که روسیه در سند الحاقی عهدنامهٔ ترکمنچای به ایران تحمیل کرد و انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی نیز می‌خواستند در روابط تجارتهای با ایران از چنان امتیازاتی برخوردار باشند. بنا بر این، وزیر مختار بلژیک، بارون بهر، درخواست مشابهی مطرح کرد. این پیشنهاد در یک مادهٔ الحاقی در 27 ژانویه 1842 در ¹Pera به امضاء رسید. لئوپولد اول این مادهٔ الحاقی را در 22 مارس امضاء کرد و شاه ایران نیز با امضای خود در 26 اکتبر همان سال، بر آن صحه نهاد.

1. مکانی در بخش اروپایی استانبول که امروزه بی اوغلو نام دارد.

کوشش امین الملک^۱ ایلچی کبیر ایران برای گسترش روابط خارجی با سایر دول:

در سال نهم سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و ایام صدارت میرزا آقا خان اعتمادالدوله نوری برای رفع کدورتی که میان دولت شاهنشاهی و دولت انگلستان (بواسطه مسئله هرات) حاصل گردیده بود و انعقاد قرارداد و معاهده با سایر دول اروپائی، فرخ خان غفاری کاشانی ملقب به امین الملک که یکی از رجال و متنفذین دربار بود، با عنوان ایلچی کبیر ایران مامور دربار لندن و پاریس و مذاکره با سفرای بلژیک و ساردنی و پروس و هلند گردید و مخصوصاً به وی توصیه شده بود که در عموم محافل سیاسی خارجی، اسباب حسن تفاهم بین‌الائتین را فراهم سازد و زمینه برای انعقاد هرگونه عهدنامه سیاسی و بازرگانی که متضمن منافع ممالک محروسه ایران باشد، مستعد نماید.

فرخ خان در ۱۲۷۲ ق. / ۱۸۵۶ م. با نایب و منشی و مترجم و سایر تبعه با نامه‌های متعددی مبنی بر اظهار دوستی و مودت پادشاهان فرانسه و عثمانی از ایران حرکت کرد. پس از ورود به خاک عثمانی، مدتی در آن کشور به رسم میهمان باقی ماند و در آن خلال، غالباً با سفرا و فرستاده‌های خارجی مقیم دربار عثمانی به رفت و آمد و مباحثه مشغول بود (بیانی، ۱۳۷۵: ۵۲۳). این مأموریت، دو سال طول کشید (ذی‌قعدة ۱۲۷۲ تا شوال ۱۲۷۴ / ژوئیه ۱۸۵۶ تا می ۱۸۵۸).

۱. میرزا ابوطالب فرخ خان غفاری امین الملک، از رجال شهیر عصر ناصری، قبل از اعزام به اروپا مناصب دیوانی و اداری بسیاری بر عهده داشت. وی علاوه بر امضای عهدنامه پاریس با انگلستان، معاهداتی با دولت‌های هلند، دانمارک، اتحادیه سوئد و نروژ، پروس، ساردنی و فرمانروایان بنادر هامبورگ و برمن و لوبک و دوک نشین هانور و سپس با دول اتریش، مجارستان و بلژیک امضاء کرد. وی به سبب خدمات خود به لقب امین الدوله مفتخر شد و پس از بازگشت به ایران به وزارت دربار اعظم رسید. گفته می‌شود که ناصرالدین شاه وی را در امور مربوط به سیاست خارجی، بیشتر از میرزا سعید خان موتمن الملک وزیر امور خارجه، طرف مشورت قرار می‌داد.

میانجیگری بلژیک بین ایران و انگلیس در ماجرای هرات

از میان کشورهای بلژیکی که فرخ خان در این مأموریت با نمایندگان آنها به مذاکره پرداخت، بلژیک ویژگی خاصی داشت: از سال‌ها پیش، به سال 1841م. و در دوران سلطنت محمد شاه قاجار، عهدنامه مودت و تجارت میان دو کشور منعقد شده بود و از سوی دیگر، کوشش این کشور در راه میانجیگری بین ایران و انگلستان در ماجرای هرات، موقعیت و وجهه این کشور را نزد ایلچی ایران و دولتمردان قاجار افزایش داد.

در استانبول، مصلحت‌گزار بلژیک، به صورت بسیار محرمانه با میرزا ملکم خان پیشنهاد جالبی در خصوص میانجیگری بلژیک بین ایران و انگلیس را مطرح کرد. او در باره نقش فرانسه نوشت: «... شما باید با کمال یقین فهمیده باشید که اصلاح این منازعه از دولت فرانسه چندان کارسازی نخواهد شد، به علت اینکه فرانسه با دولت انگلیس به جهت مهمات عمده فرنگ متحد است و در این اوقات نمی‌تواند از این اتحاد موافقت انگلیس به آسانی بگذرد و امپراتور فرانسه به ملاحظه حفظ موافقت خود با انگلیس لابد خواهد شد که با شما چندان نزدیکی نجوید و با شما در نهایت احتیاط رفتار نمود و اگر هم فرضاً از دولت ایران توسطی بخواهد بکند، چون فرانسه را در این گفت و گو بی‌عرض نمی‌دانند و انگلیسی‌ها به هزار ملاحظه از مداخله فرانسه در کارهای خود علی‌الخصوص در امری که تعلق به حالت هند دارد زیاده از حد اجتناب و وحشت دارند. حرفهای امپراتور فرانسه را در این باب قبول نخواهند کرد.» (مکاتیب فرخ خان: 1275ق.). وی در ادامه از عقل و درایت لئوپلد، پادشاه بلژیک و نفوذ وی بر برادر زاده خویش ملکه انگلستان نوشته است: «ملکه انگلیس در زیر دست و در خانه او تربیت یافته و به عموی خود محبت خاصی دارد و او را چنان محرم خود ساخته که بدون

اطلاع او به هیچ امری اقدام نمی‌کند و بخصوصه تلگرافهایی دارند که هر روز صبح به واسطه آن با هم گفتگو می‌کنند و همه کس می‌داند که ملکه انگلیس از صوابدید و راهنمایی عمومی خود هرگز تخلف نمی‌کند با این احوال برای دولت ایران بهتر از پادشاه بلجیق واسطه یافت نمی‌شود.» (همان) فرخ خان در باره وساطت بلژیک به اولیای امور در تهران نوشت: «در باب این مسئله چه در حین مکالمه با مصلحت گزار بلجیق و چه در عالم فراغت هر چه تحقیق و تعقل نمودم بهتر از این وسیله به جهت اصلاح امر، چیزی به خاطر نرسید و پس از جمیع ملاحظات و تدقیق نکات کار، مصلحت را در این دیدم که رشته این تکلیف بلجیق را محکم بگیریم و در فکر اجرای این طرح تازه باشیم.» (همان: ۳۱). پس از آن، قرار شد تا دو طرف با دولت‌های متبوع خود مکاتبه و شرایط را برای بهره‌برداری از این فرصت آماده کنند.

از سوی دیگر، دو طرف کوشیدند تا مذاکرات محرمانه بماند؛ چنانکه ویکنت ویلن چهاردهم، وزیر امور خارجه وقت بلژیک در نامه‌ای به امین الملک بر محرمانه بودن مذاکرات تأکید کرد: «آقای من پادشاه مرا مأمور می‌فرمایند که شما را مطلع سازم که اعلیحضرت ایشان به خوشوقتی خواهند دید که سفارت ایران بعد از رسیدن به پاریس به بروکسل پایتخت بلجیک عزیمت نمایند، روابط باطنی که پادشاه با برادرزاده خود ملکه انگلیس متحد دارد، احتمال می‌رود برای دولت ایران منتج فایده شود، در استعمال این اظهار باید کمال احتیاط را داشته باشید و به هیچکس اظهار مطلبی نکنید، مگر با آن شخصی که می‌تواند منظورات پادشاه را به ایلچی کبیر ایران برساند اطمینان اعلی درجه احترام مرا قبول نمایید. ویلن کاتوزی»^۱ (همان: ۷۲)

۱. منظور از ویلن کاتوزی، ویلن چهاردهم وزیر امور خارجه بلژیک است. تلفظ صحیح عدد چهارده به فرانسه کتورز است.

البته مسأله هرات در پاریس با امضای معاهده‌ای به همین نام و جدایی هرات از قلمروی ایران فیصله یافت و میانجیگری لئوپولد اول، پادشاه بلژیک میان ایران و انگلیس منتفی شد، اما ابراز خیرخواهی و تمایل بلژیکی‌ها به میانجیگری میان دو دولت، سفیر ایران را تحت تأثیر قرار داد، چندان که تجدید عهدنامه دوجانبه را برای «تلافی مهربانی» آن دولت در آن شرائط وخیم و حساس، منطقی تلقی کرد: «عهدنامه با دولت بلجیک بر حسب ترکیب رسمی معیوب است و به خصوص آن دولت از بنده خواهش کرده است که عهدنامه مزبور را تجدید نمایم. اجرای خواهش مزبور بجز تلافی مهربانی و مزید امتنان، معنی دیگر نخواهد داشت، زیرا که در تجدید عهدنامه، چیزی که به سایرین داده نشده به بلجیک هم داده نخواهد شد، بنابراین مستدعی است که اختیارنامه رسمی برای این عهدنامه هرچه زودتر ارسال فرمایید که مایه مزید دوستی و خیرخواهی دولت بلجیک خواهد شد» (همان: 120). بنابراین، عهدنامه جدید با بلژیک با امضای امین‌الملک از طرف ایران و ویکت ویلن چهاردهم، وزیر امور خارجه بلژیک در بروکسل تجدید شد.

در عهدنامه جدید، افزایش شمار کنسولگری‌های دو کشور از دو، به سه محل پیش‌بینی شده بود (ماده 7). برای ایران، شهر لیژ و برای طرف بلژیکی، بندر بوشهر در نظر گرفته شد. بی‌گمان اهمیت بندر بوشهر از نظر گسترش تجارت با بنادر منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند در انتخاب آن از سوی بلژیکی‌ها مؤثر بود و چنانکه ملاحظه خواهد شد، انتخاب شهر صنعتی لیژ به سبب کارخانه‌های متعدد و تولیدات نظامی معروف آن مانند تأسیسات توپ ریزی و اسلحه سازی در نظر دولت ایران، اهمیت داشته است.

ایلچی کبیر ایران در بلژیک

نخستین کسی که به طور رسمی به بلژیک رفت، فرخ خان امین الدوله، فرستاده ناصرالدین شاه به اروپا بود. شرح این مسافرت در سفرنامه فرخ خان امین الدوله یا مخزن الوقایع^۱ به قلم منشی هیأت ایرانی حسین سرابی آمده است:

«لئوپولد اول در تاریخ ۲۵ ژوئیه ۱۸۵۷ در کاخ بروکسل هیأت ایرانی را پذیرفت. فرخ خان امین الملک را در این سفر افراد ذیل همراهی می کردند:

۱. میرزا زمان خان، مستشار اول

۲. میرزا ملکم خان، مستشار اول و مترجم

۳. نریمان خان سرتیپ، منشی اول

۴. میرزا علی نقی، منشی دوم

اعضای هیأت را ویکنت ویلن چهاردهم، وزیر امور خارجه معرفی کرد و سفیر ایران سخنانی خطاب به پادشاه ایراد کرد که بلافاصله توسط میرزا ملکم خان به فرانسه ترجمه شد» (Galaway, 1873: 58).

سفر به بندر آنورس^۲

فردای آن روز، ایلچی کبیر روانه شهر آنورس [آنتورپ فعلی] شدند که یکی از شهرهای خوب و بنادر بزرگ بلژیک است. این شهر یکصد و بیست هزار نفر جمعیت

۱. مکتوبی از میرزا آقاخان به فرخ خان موجود است (مخزن الوقایع، تصویر شماره ۳۶) که در آن امین الدوله را از چاپ مخزن الوقایع در تبریز برحذر داشته است. میرزا آقا خان از اطلاع مردم نسبت به اوضاع اروپا و آزادی مردم و طریقه حکومت آن کشورها هراسی داشته است: «شما هم البته نخواهید گذاشت عالیجاه میرزا حسین این کتاب را باسمه نماید که به همه جا منتشر شود و برای مردم درست آگاهی از اوضاع اروپا حاصل شود که مصلحت نیست».

2. Anvers

داشته و به حسب تجارت، متمول‌ترین شهرهای بلژیک است. اهمیت تجارتي و تأسیسات دریایی این بندر، یکی از دلایل انتخاب آنورس از سوی ایران به عنوان کنسولگری بوده است، زیرا کالاهای گوناگون، به وسیله کشتی‌های بزرگ و از طریق ارتباط دریایی این بندر با سایر بنادر مهم جهان، می‌توانست به بنادر جنوبی ایران و خاور میانه برسد.

تابلوی نقاشی مربوط به مردی ایرانی در محل ضرابخانه شهر آنورس، امین‌الملک را سخت شگفت زده کرد. به نوشته مؤلف مخزن الوقایع: «از قراری که ذکر می‌نمودند، چهارصد سال قبل بر این، یکی از سلاطین ایران او را به رسم سفارت با بعضی تحف و هدایا نزد خواهر شارلمانی- که پادشاه قدیم آلمانک^۱ بود- فرستاده بوده است.»^۲ به احتمال بسیار، این نقاشی مربوط به زمانی است که در 1524م. مارگارت دوتریش^۳ (مارگارت اتریشی)، ایلچی ایرانی را در صومعه سن میشل پذیرفت و این تابلو، اثری از نقاشی به نام M.Guffens بود و امین‌الملک هرگز فکر نمی‌کرد که یک ایرانی به عنوان ایلچی، دو قرن و نیم پیش از وی به آن سرزمین سفر کرده باشد (Galaway, 1873: 63).

بازدید از شهر صنعتی لیژ

دولت ایران به سبب قطع رابطه با انگلستان و اشغال بنادر جنوبی ایران از سوی آن کشور، در قبال محاصره هرات، اشتیاق بسیاری به خرید تسلیحات مدرن برای مقابله احتمالی با قشون انگلیس داشت و بازدید از صنایع و کارخانه‌های بزرگ بلژیک، این

1. اتحادیه دول ژرمنی که بعد از کنگره وین تشکیل شد و با وحدت آلمان از میان رفت.

2. این مطلب صحیح نیست، زیرا شارلمانی، معاصر هارون‌الرشید خلیفه عباسی بود و هزار سال پیش از زمان سفارت فرخ خان زندگی می‌کرد و خواهرش نیز باید هم عصر او باشد.

3. Marguerite d Autriche

امیدواری را برای خرید انواع سلاح و انتقال فناوری ذوب فلزات و توپ‌ریزی، در دولتمردان ایرانی تقویت کرد؛ چنانکه به نوشته منشی فرخ خان: «این شهر از حیثیت مکان و بخصوصه معدن ذغال سنگی و کارخانه‌های بسیار، شهر مشهور و معروف و کارخانه اسلحه‌سازی معروفی دارد که در این اوقات اکثر دول از قبیل روس و پروس و نمسا [اتریش] و عثمانی و غیره از این کارخانه اسباب توپ و تفنگ و سایر اسلحه زیاد می‌خرند.» (سرابی، ۱۳۷۳: ۳۰۹). شهر لیژ، قطب صنعتی بلژیک، به همین سبب توجه نماینده ایران را جلب کرد و شرحی که از کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی، ساخت انواع تسلیحات در سفرنامه امین الملک ثبت شده است، میزان توجه هیأت ایرانی را به این شهر خصوصاً از نظر نظامی نشان می‌دهد: «اول شرح و بیان اوضاع این کارخانه زیاده برآنست که با یک دیدن کما هو حقه به تحریر و به تقریر آید، ولی از این تعریف مختصر استنباط می‌توان کرد که وسعت آن به چه درجه است. از قراری که مذکور بود دوازده هزار عمه کارکن در آنجا در کار بودند و علاوه بر کفایت جمیع اسلحه دولتی خود بدول خارجه کرور کرور اسباب می‌دهد.» (همان: ۳۰۹). همین شهر است که ایران در عهدنامه جدید، بعد از بروکسل و آنورس از آن به عنوان محلی برای ایجاد کنسولگری سوم نام می‌برد: «در ادامه کار هیأت ایرانی برای بازدید مجدد کارخانه توپ‌ریزی رفتند و یک عراده توپ شصت پوندی در نزد جناب ایلچی ریختند و یکصد عدد توپ بزرگ که برای دولت عثمانی ریخته بودند به جناب مشارالیه نشان دادند و معزی‌الیه به ملاحظه اینکه قیمت اسلحه را در آنجا مناسب دیدند و از برای حمل و نقل به بنادر ایران اخراجاتش کمتر از آن شمردند که از دارالخلافه به بنادر و سایر جاهای نزدیکی دریا برده شود، از رئیس کارخانه خواهش نمودند که تفصیل قیمت هر نوع اسباب را نوشته

نزد جناب معزالیه بفرستد.» (همان: 312). سفر هیأت ایرانی با تشریفات کامل و اعطای نشان از جانب پادشاه بلژیک، پایان یافت و هیأت از بروکسل به پاریس بازگشتند. در سال‌های بعد، مقامات ایرانی از جمله وزیرمختار ایران در بلژیک، باز هم از کارخانه‌های کوکریل^۱ دیدار کردند. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت این قبیل صنایع برای ایرانیان بوده است (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: 50-3-9-1324ق).

اولین هیأت دیپلماتیک بلژیک در ایران

پس از بازگشت امین‌الملک به ایران، دولت بلژیک بدون تأخیر، هیأتی دیپلماتیک با این ترکیب به ایران گسیل داشت:

1- M.A. Henry جنرال کنسول با عنوان شارژدافر^۲

2- Eduard Anspach منشی اول هیأت

3- Oscar de Mensil de Valkrange منشی دوم

4- Henri Van Harve منشی دوم

این هیأت در اول اکتبر سال 1858م. به تهران رسید. هانری رئیس این هیأت، نخستین گزارش سفر را در باب ملاقات با میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک وزیر امور خارجه و شاه ایران در تاریخ 15 اکتبر برای وزیر امور خارجه بلژیک ارسال کرد (Galaway.1873:64).

1. برادران کوکریل مالک کارخانه‌های عظیم صنایع مختلف در لیژ بودند.

2. وی وابسته و مترجم دوم هیأت بلژیکی در اسلامبول بود و به زبان ترکی تسلط داشت و در نوامبر 1841 نشان شوالیه لئوپولد را دریافت کرد و مترجم اول سفارت شد.

دیپلمات بلژیکی در این گزارش به نکات جالبی اشاره کرده است. از آن جمله، تشریفات کاملی که از سوی دولت ایران تدارک دیده شده بود و استقبال چند صد نفری مقامات و شخصیت‌های ایرانی در مسیر سفر از ورود به مرز ایران، شهرهای مسیر تا رسیدن به اقامتگاه در تهران، قربانی کردن گاو و گوسفند در برابر سواران بلژیکی و اقامت در اماکن تاریخی شاهان صفوی و قاجار در شهرهای زنجان، قزوین و سلیمانیه^۱، فرستادن اسبان تازه نفس از اصطبل شاهی برای اعضای هیأت، استقبال و دیدار بسیار صمیمانه میرزا سعید خان با آنها در چهارم اکتبر و دیدار با ناصرالدین شاه در ششم اکتبر در کاخ و ابراز خوشوختی شاه از گسترش روابط با بلژیک.

دو سند بسیار جالب شامل برنامه‌ها و جزئیات پروتکل تشریفاتی استقبال وزیر امور خارجه از مسیو هانری وزیرمختار بلژیک و هیأت همراه در باغ عمارت نظامیه (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه 3-37-8-1273ق.) و برنامه تشریفات ورود هیأت بلژیکی به دارالخلافه (همان: 5-37-8-1273ق.) است. در اسناد موجود در باب فعالیت‌های هیأت بلژیکی در تهران جز قرارداد خرید 5000 اسلحه شش خان از دو تاجر، که به امضای امین‌الملک و مسیو هانری رسید، به جزئیات بیشتری اشاره نشده است. وزیرمختار بلژیک در این قرارداد ضمانت کرد که اگر تاجر اسلحه، طبق مفاد قرارداد با ایران، سلاح‌های سفارشی را به موقع به تهران نرساند، وی پول دریافتی از امین‌الملک را پس خواهد داد. این قرار داد در تاریخ اول مارس 1859 در تهران امضاء شده است (همان: 6-39-8-1273ق.). بنا بر مکاتبات بعدی، دولت بلژیک از ارسال تفنگ‌ها به ایران طفره رفت: «مسیو هانری، بهانه آورد که به سبب جنگ، مشتری

1. محلی در مسیر هیأت بلژیکی به تهران بود و با سلیمانیه عراق تشابه اسمی دارد.

تفنگ‌های بلژیک افزایش یافته و فقط انگلستان سفارش ساخت هزار تفنگ به کارخانه‌های بلژیک داده است، بنا براین ارسال این میزان تفنگ به ایران مقدور نیست و پنج هزار تومان وجه ضمانت را پس خواهد داد» (همان: 4-39-8-1273ق.). به همین سبب، دولت ایران نظر آقا یمین‌السلطنه را برای وصول طلب ایران از مسیو هانری به بلژیک فرستاد (همان: 1-1-9-1278ق.).

اسناد دیگری در بارهٔ مأموریت و سرانجام کار اولین هیأت دیپلماتیک بلژیکی در ایران در دست نیست، اما به نوشتهٔ آرمینیوس وامبری، سیاح مجارستانی که در ظاهر درویشی، آن زمان در تهران به سر می‌برد: «... دولت بلژیک با هزینهٔ بسیار، سفیری روانه کرد و او را مأمور گردانید که مناسباتی که لازم بود با ایران برقرار گردد مطالعه کند و یک معاهدهٔ تجارتي منعقد سازد و خلاصه ساخت و پاختهای سیاسی نیز با همان دقت به عمل آورد، ولی تصور نمی‌کنم توانسته باشد از این مذاکرات، موقعیت و افتخاری حاصل کند و بتواند راجع به اقدامات خود، کلمات مشهور (آمد، دیدم، فتح کردم) ژول سزار را تکرار کند و راجع به اینکه باز هم هوس دیدار ایران زیبا را بکند یقین دارم حتی خیالش را هم نخواهد کرد» (وامبری، 1365: 19). تاریخ دقیق خاتمهٔ مأموریت و بازگشت هیأت بلژیکی به بروکسل مشخص نیست؛ هانری، رئیس هیأت در دیدار با ناصرالدین شاه، در باب مطالعات ویژه بر روی منابع (احتمالاً زیرزمینی) و نیازهای ایران سخن گفت و اینکه به محض بازگشت به بلژیک، اطلاعات خود را به گردانندگان صنایع و تجارت کشورش خواهد رسانید» (Galaway, 1873: 68-69). باید خاطر نشان کرد که اقامت M.E.KEUN سرکنسول بلژیک در تبریز در 1873م. به عنوان مرکز تجارت ایران با روسیه، عثمانی و اروپا با اهداف تجارتي بلژیکی‌ها در ایران همخوانی داشت.

نمایندگان ایران در بلژیک

اقامت هیأت دیپلماتیک بلژیک در ایران رویدادی جدید بود و ناصرالدین شاه قاجار نیز برای فرستادن یک هیأتی به دربار لئوپولد اول شتاب داشت. در ۹ دسامبر ۱۸۵۹ حسنعلیخان وزیرمختار شاه، در قصر بروکسل با لئوپولد اول دیدار کرد و ضمن تقدیم نشان اعطائی از طرف ناصرالدین شاه (نامه‌های متبادله P1-3) اختیارنامه‌های خود را تقدیم داشت.

اعضای هیأت دیپلماتیک ایران این افراد بودند:

1. «میرزا Hozrak [احتمالاً حضرت]، امور دفتری

2. میرزا علی خان، منشی اول

3. میرزا صادق خان، منشی دوم

4. نظرآقا، مترجم و منشی

5. کلنل حاج محسن خان، مستشار

حسنعلیخان در بروکسل، دیدار از ابنیه و تأسیسات را آغاز کرد: در پادگان پیاده نظام، شاهد تمرینات و مانور سربازان در قلعه کوچک بود و سری نیز به موزه‌های نقاشی زد. نامبرده در شهر لیژ، از کارخانه توپ ریزی و کارخانه ساخت سلاح‌های سلطنتی دیدن کرد. همه بخش‌های تأسیسات و کارخانجات را دید، سپس با عبور از رودخانه Namur از دژ آن منطقه دیدار کرد و با خط آهن لوکزامبورگ به بروکسل بازگشت.

در تاریخ 20 دسامبر، دوک برابان^۱ به افتخار هیأت دیپلماتیک ایرانی در قصر پدر خود، برنامه "شب موزیکال" با حضور هنرمندان و خوانندگان اپرا ترتیب داد و در 24 دسامبر، هیأت ایرانی با بدرقه رسمی شاه به پاریس برگشتند» (Galaway, 1873: 74-75).

در فاصله سفر هیأت حسنعلیخان تا سفر هیأتی به ریاست میرزا ملکم خان به بروکسل برای فراهم آوردن مقدمات سفر اروپایی ناصرالدین شاه در سال 1290 ق. / 1873 م. هیچ ایرانی به عنوان سفیر یا وزیرمختار مقیم در بلژیک فعالیت نداشت. ایران بنا بر دلایل عدیده‌ای از جمله فاصله بسیار، هزینه هنگفت، کمبود کادر دیپلماتیک، ناآشنایی با زبان محل (فرانسه) و شمار اندک اتباع ایران در آن مناطق ترجیح می‌داد افراد محلی بلژیکی را به عنوان نمایندگان خود به کار بگمارد:

اعضای کنسولگری‌های ایران در بلژیک در سال 1873 م. شامل افراد ذیل بود:

1. M.A. Poncelet جنرال کنسول در بروکسل و پسرش به عنوان معاون

2. M.M. Bernstein کنسول در بندر آنورس

3. V. Gulikers-Maquinoy کنسول در لیژ

4. Mestdagh معاون کنسول در شهر گان^۲

5. Guislin معاون کنسول در شهر اوستند (همان: 60)

روابط دو کشور پیش از ورود مستشاران بلژیکی

روابط ایران و بلژیک به طور رسمی از اواخر قرن نوزدهم آغاز شد. در آن دوره که لئوپولد دوم در بلژیک حکومت می‌کرد، بلژیک به توسعه روابط خود با کشورهای آسیا و

1. Duc de Braban
2. Gand

آفریقا علاقه‌مند بود، اما در همان زمان برای کسب منافع و اکتشافات، در درجه اول متوجه آفریقای سیاه بود و توانست با کمک یک کاشف انگلیسی به نام استانی، منطقه‌ای در جنوب صحرای آفریقا به نام کنگو را به مستعمره خود تبدیل نماید که وسعت آن بیش از هشتاد برابر خاک بلژیک بود. این دوگانگی نشان می‌دهد که چنانچه شرایطی ویژه سبب چرخشی ناگهانی در روابط بلژیک و ایران نمی‌شد، ارتباط با ایران به صورت بسیار محدودی باقی می‌ماند و تلاش پنجاه ساله دولتمردان بلژیکی در تهران برای گسترش نفوذ صنعتی و بازرگانی کشورشان در ایران، راه به جایی نمی‌برد.^۱ این شرایط ویژه در جای خود بررسی خواهد شد.

پیش از گشایش دو سفارت در پایتخت‌های دو کشور، روابط صنعتی و اقتصادی قابل توجهی در حال شکل‌گیری بود. در سال ۱۸۸۸م. شرکت سهامی راه آهن و تراموای ایران^۲ تأسیس گردید و حق انحصاری احداث خط راه آهن از تهران به قزوین، از تهران به شاه عبدالعظیم و از آنجا به قم را دریافت کرد. این شرکت ۳۰ کیلومتر از خط راه آهن تهران تا معادن سنگ شاه عبدالعظیم را ساخت و سه خط درشکه رانی در تهران راه انداخت. سرمایه سهم بندی شده شرکت، ۴ میلیون فرانک بود که علاوه بر آن، ۵ درصد سهام قرضه هم برای سرمایه ۴ میلیون فرانکی دیگر منتشر کرده بود. منافع اندک این شرکت موجب شد تا نتواند بیش از ۲/۵ درصد منافع اسناد قرضه را بپردازد و سود سهام نیز توزیع نگردید. طرح‌های این شرکت برای جایگزینی قدرت برق به جای اسب بخار نیز تحقق نیافت و تهران یا شهرهای دیگر، صاحب واگن برقی نشدند. البته

1. <http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=1705>

2. Societe anonyme des Chemins de Fer et Tramways en perse

طرح‌ها و پروژه‌های بلژیکی‌ها فقط به راه آهن و حمل و نقل منحصر نبود و چند کارخانه و کارگاه را شامل می‌شد که عبارت بودند از:

در سال 1889م. امتیاز تأسیس کارخانه قندسازی را به یک بلژیکی به نام فیلیپارت^۱ واگذار کردند و او سندیکای قند بلژیکی را با سرمایه 5 میلیون فرانک به راه انداخت و تصفیه‌خانه‌ای در نزدیکی تهران ایجاد کرد. این کارخانه با زیان به کار خود ادامه داد و در سال 1913م. به مبلغ 125000 فرانک به گروهی زردستی فروخته شد. در سال 1311ق./ 1894م. شرکت ملی شیشه ایران در بلژیک تأسیس شد و کارخانه‌ای برای ساختن شیشه دایر شد، اما این شرکت سال‌ها راکد ماند و ظاهراً نتوانست تولیدات خود را با نیازهای کشور تطبیق دهد. در آرشیو اسناد وزارت امور خارجه بلژیک، پرونده‌های متعددی مربوط به طرح‌های شرکت‌های بلژیکی موجود است. معادن، آبیاری، جاده سازی، کشت درخت خرما، کارخانجات ساخت چینی، شمع، کاغذ، آبجو و قند یکی پس از دیگری توجه گروه‌های بلژیکی را جلب کرد. بیشتر این طرح‌ها در همان مراحل ابتدایی ماند و از شماری که به اجرا درآمد، هیچ یک رشد نکرد و همه آنها قبل از جنگ جهانی اول به فروش رسید. با این همه، توجه عده‌ای از اتباع بلژیکی به امکان فعالیت در ایران جلب شد و بلژیک را در نظر ایرانیان، کشوری متجدد و فعال جلوه‌گر کرد (دستره، 1363: 31).

1. Philipaert

تأسیس سفارت ایران در بروکسل

افتتاح رسمی سفارت ایران در بروکسل بوسیله سرتیپ نظرآقا یمین السلطنه^۱ در سال ۱۳۰۸ ق. / ۱۸۹۰ م. صورت گرفت و نامبرده مأمور تأسیس سفارت در بروکسل گردید» (هوشنگ مهدوی). پس از وی به ترتیب میرزا جواد خان سعدالدوله و میرزا احمد خان نصیرالدوله بدر و میرزا محمود خان محتشم السلطنه، وزیر مختار ایران در بلژیک بودند.

مظفرالدین شاه در باره ساختمان سفارت ایران در بروکسل در خاطرات خود نوشته است: «این عمارت سفارتخانه بسیار خوب عمارتی است و از قراری که می‌گویند شخصی از متمولین اروپا این عمارت را بخصوص این ساخته که با معشوقه خودش در آنجا عیش بکند و مدتی هم در این عمارت عیش کرده است، بعد شخصی میانه آنها را بر هم زده و معشوقه او را از دستش بیرون کرده است، او هم دیگر به این عمارت نیامده و به دوستی که در این شهر داشته گفته است به هر قسم باشد اسباب او را هراج [حراج] نموده و عمارت او را بفروشد. این است که به قیمت نازلی فروخته‌اند و حالا سفارت ایران اجاره کرده و سعدالدوله اینجا منزل دارد. عمارت عالی مزینی است. پرده‌های نقاشی خوب و مبیل اعلی دارد. سعدالدوله هم از قالیه‌های نفیس ایران و غیره مبیل خوبی بر اینجا افزوده است. گلخانه و گرمخانه کوچک قشنگی دارد.» (خاطرات مظفرالدین شاه، ۱۳۶۱: ۱۶۸). البته اجاره ساختمان سفارت، دردسر بزرگی برای سفرها به ویژه سعدالدوله بود و بخش قابل توجهی از مکاتبات وی با تهران، به سبب عقب افتادن اجاره بهای این ساختمان بود.

۱. وی پیش از آن، مدت‌ها به عنوان کاردار و سپس وزیر مختار ایران در پاریس خدمت می‌کرد.

تأسیس سفارت بلژیک در تهران

پس از آن، دولت بلژیک، تصمیم گرفت در تهران سفارتخانه دائمی بگشاید و به این منظور، لئوپولد پادشاه بلژیک، در نامه‌ای به تاریخ 10 مارس 1890 بارون ماکسیمیلیان درپ^۱ را به عنوان اولین وزیرمختار بلژیک مقیم در ایران منصوب کرد. بنا بر خاطرات میزا مهدی خان ممتحن الدوله شقاقی، از اعضای عالی رتبه وزارت امور خارجه: «در این احوال تراموای شهری و راه‌آهن شاهزاده عبدالعظیم که امتیاز آن را یحیی خان مشیرالدوله فروخته بود، به وسیله مهندسین بلژیکی در تهران دایر شد و آمدن سرمایه و اتباع آن دولت به تهران سبب شد که سفارت بلژیک در ایران تأسیس و باز شود و لازم آمد که از طرف دولت علیه هم سفیری به پایتخت آن دولت فرستاده شود و روابط تازه برقرار شده را در میانه محکم و استوار دارد» (ممتحن الدوله شقاقی، 1365: 116-115). پس از بارون درپ نیز بارون دوگروت^۲، سرستونس^۳ مانوئل هاونیث^۴ و بورش گراو^۵، وزرای مختار بلژیک در تهران بودند.

سفر پادشاهان قاجار به بلژیک

ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار در سفرهای اروپایی، دیدار از بلژیک را نیز از دست ندادند. مظفرالدین شاه در سفرنامه خود در باره سفر به بلژیک نوشته است: «... چند ساعت که رفتیم رسیدیم به خاک بلژیک، چون که باید از یکی گوشه خاک بلژیک

1. le baron Derp
 2. De Groote
 3. Marct Serstevens
 4. Emmanuel Havenith
 5. R. de Borchgrave

عبور کرده و داخل خاک فرانسه شویم در سر حد بلژیک با آنکه غیر رسمی وارد شدیم معذالک مقداری سرباز و یکدسته موزیک نظامی با حکومت بلدیة جهت احترام ورود ما در سرحد حاضر کرده بودند. در آنجا توقف زیادی نشد، همینقدر التفاتی به آنها نموده روانه شدیم، چندین ساعت در خاک بلژیک راه پیمودیم که تماماً یا معدن آهن و کارخانه‌های خیلی بزرگ پهلوی هر معدنی است که به سهولت آهن را از معدن استخراج می‌نمایند. آبادی بلژیک از سایر ممالک فرنگ که تا اینجا دیده‌ایم به نظرمان زیادتر آمد؛ می‌توان گفت که خانه به خانه و آبادی به آبادی متصل است و چون تمام اهل این مملکت صنعتگر و پیشه‌ور هستند، این است که کارخانجات صنایع خیلی زیاد است و یک کف زمین بی حاصل دیده نمی‌شود. نزدیک غروب رسیدیم به شهر (شارل روا)^۱ در این ایالت سیصد هزار نفر عمه کار می‌کنند و جمعیت سکنه شهر بیست و پنج هزار نفر است. روزی چهارصد ترن راه آهن از این شهر می‌گذرد که دویست ترن تجارتی است و اقمشه و امتعه حمل و نقل می‌کنند و دویست ترن حمل مسافر می‌نماید. ما به گار [ایستگاه] راه آهن وارد شدیم، حاکم بلدی و حاکم نظامی شهر با تمام کدخدایان و اشراف و اعیان شهر و دو فوج سرباز و دو دسته موزیکانچی و جمعیت زیادی از مردم متفرقه در گار حاضر بودند و کمال توقیر و احترام را بجا آوردند. از طرف ما هم نسبت به مترجمی ناصرالملک اظهار التفات شد. از احوال اعلی حضرت بلژیک پرسیدیم و از خبر سلامت ایشان مشعوف شدیم. قشون بلژیک را خیلی آهسته و منظم دیدیم و بعد از یکساعت توقف در گار حرکت کرده به طرف سرحد فرانسه عزیمت نمودیم. یک ساعت و

1. Charles Roi

نیم از شب گذشته قریب به نقطه سرحدی فرانسه رسیده متوقف شدیم» (خاطرات مظفرالدین شاه، 1361: 128)

در بخش دیگری از این سفرنامه آمده است: «... بر حسب قراری که داده بودیم به ضرابخانه شهر بروکسل رفتیم. در بدو ورود ما رئیس ضرابخانه نطقی مفصل کرد که سعدالدوله ترجمه نمود. ما هم جوابی که لازم بود دادیم. در تمام ضرابخانه گردش کردیم، مسکوک نیکل که برای ایران سکه می‌کنند در همین ضرابخانه مشغول سکه کردن بودند. آوردند دیدیم. بعضی ماشین آلات و اسباب دارالضرب هم که وزیردربار سفارش داده است، برای تکمیل نواقص ضرابخانه ایران بسازند نمونه آنها را نیز آوردند. ملاحظه شد، بسیار خوب بود. بعد از آنجا مراجعت به منزل شد. شب را وزیردربار و بعضی دیگر در حضور بودند قدری با آنها صحبت کرده شام خورده استراحت نمودیم» (همان: 170)

تجارت و حمل و نقل دریایی میان بنادر ایران و بلژیک

گر چه در باره تجارت دریایی و حمل و نقل کالا میان دو کشور در این دوره، آمار و اطلاعات دقیقی از آرشیو اسناد وزارت امور خارجه به دست نیامد، اما از بررسی محتویات چند سند، می‌توان به فضای کلی روابط تجارتي و بازرگانی پی برد.

بلژیکی‌ها حداقل از سال 1312 ق. / 1894 م. در بنادر جنوب ایران به ویژه بندر بوشهر به کار تجارت و حمل و نقل کالا اشتغال داشته‌اند. شرکتی به نام فران کت، که مقر اصلی آن در شهر لیژ بود، به تجارت کالاهای مختلف به ویژه اسلحه می‌پرداخت و دو نفر مسیو فرانسیس و مسیو تمس نماینده این شرکت برای انجام امور تجارتي در

بوشهر بودند. اسلحه‌های کمپانی فران کت را برای ورود به سواحل دریای عمان و عربستان، به صورت ترانزیت وارد بوشهر می‌کردند، اما مأموران گمرکی ایران اجازه نمی‌دادند سلاح‌ها آزادانه در بوشهر خرید و فروش شوند. این شرکت بلژیکی با شرکتی انگلیسی به نام مال کالم^۱ [مالکم] که ادعا می‌کرد توانسته است از اولیای دولت ایران، حق انحصاری تجارت اسلحه را نه فقط در آن مناطق، بلکه در سرتاسر خاک ایران، طی حکمی از صدارت عظمی به دست آورد، رقابت داشت. وزیرمختار بلژیک در تهران در نامه‌ای به وزارت امور خارجه درخواست کرد تا به شرکت بلژیکی اجازه داده شود خرید و فروش مال‌التجاره بلژیک مانند مال‌التجاره انگلستان در بوشهر آزاد باشد و امتیازنامه مخصوصی نیز طلب نمی‌کرد و تقاضا داشت که دولت ایران پس از تحقیق در این باره، اگر کارگزاران ایرانی اجحافی در حق شرکت بلژیکی کرده باشند، در جلب رضایت طرف بلژیکی بکوشند (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، اسناد مکمل: 1312-11-262 ق.).

تاجران بلژیکی در قاجاق اسلحه در بنادر جنوبی خلیج فارس و دریای عمان نیز نقش داشتند؛ به عنوان مثال، طایفه لوانی افغانستان که در کار شترداری و کرایه کشی بودند و رعیت انگلستان محسوب می‌شدند، اسلحه قاجاق را به واسطه تجار از بلژیکی‌ها می‌خریدند و از مسیر بندر مسقط، بندر جاسک و بیابان‌های کویر لوط، به مخالفان انگلیسی در هندوستان می‌رساندند (همان: 5-7-38-1326 ق.).

از نامه نصیرالدوله، وزیر مختار وقت ایران در بروکسل به تهران پیداست که تا پیش از سال 1324 ق. / 1905 م. مال‌التجاره‌های دو کشور را کشتی‌های انگلیسی میان بنادر ایران و بلژیک جابجا می‌کردند، اما وقتی ناوگانی تجارتی از کشتی‌های بلژیکی در

1. برادران ملکم، تجار ارمنی بوده و تابعیت انگلیسی داشتند.

بندر آنورس تشکیل شد، وزیرمختار ایران در بروکسل کوشید رؤسای کمپانی بلژیکی را متقاعد کند تا با دریافت تذکره از کنسول ایران در آنورس، کالا به مقصد ایران ببرند و در پی آن، اولین کشتی این کمپانی به نام کانادیا با هزار تن مالالتجاره به مقصد ایران به راه افتاد. این واقعه، نقطه عطفی در تجارت دریایی میان دو کشور محسوب می‌شود (همان: 1324-9-3-20 ق.). در باره مناسبات بلژیکی‌ها با سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر، این نکته قابل ذکر است که: «بیشترین مناسبات نمایندگی (سرکنسولگری) بریتانیا در بوشهر با مستشاران گمرکی که از سال 1318 ق. / 1900 م.، در بوشهر مستقر بودند، محدود می‌گردید. مقامات بریتانیایی ابتدا به سبب آن که تمایل داشتند، امور گمرک به وسیله بانک شاهی انجام شود، با مأمورین بلژیکی به مخالفت پرداختند. اما مدتی بعد پس از یک توافق ضمنی، روابط طرفین مسالمت آمیز شد. بدان حد که مقامات بریتانیایی در بوشهر بر امور پست، مالیات و عوارض بنادر ایران که بر عهده مستشاران و دیگر اتباع بلژیکی قرار داشت، نظارت می‌کردند» (برومند، 1381: 401).

نگاهی کوتاه به گمرک و تجارت ایران در عهد قاجار

چنانکه گذشت؛ روابط ایران و بلژیک بیشتر در زمینه همکاری‌های گمرکی و پست و مالیه بود. به همین سبب، بررسی تحولات گمرکی در عصر قاجار، فضای فعالیت‌های مستشاران بلژیکی را در ایران روشن‌تر می‌کند.

در دوره صفویان، اقتصاد ایران گرچه در مقایسه با اقتصاد کشورهای سرمایه‌داری در اروپا، عقب مانده محسوب می‌شد، اما اقتصادی متکی به خود بود و بخش‌های کشاورزی و صنعت آن با یکدیگر هماهنگی داشت و منطبق با نیازمندی‌های جامعه

بودند (رزاقی: ۱۳۷۱، ۳). از اوایل قرن نوزده میلادی، تهیه و تأمین مواد اولیه ارزان و تغذیه صنایع رو به توسعه در اروپا، که عامل اصلی در تبدیل بازارهای محلی تولیدات این صنایع به بازارهای منطقه‌ای و سپس بازارهای جهانی بود، دولت‌های استعمارگر روسیه و انگلیس را بر آن داشت تا در جریان جست و جو برای تهیه مواد خام کشاورزی و معدنی و نیز عرضه و فروش محصولات خود، بازار بسته ایران را به روی خود بگشایند.

شکست سیاسی و نظامی ایران از روسیه و تحمیل عهدنامه گلستان (۱۸۱۳م.) و سپس عهدنامه ترکمن چای (۱۸۲۸م.) ضعف اقتصاد ایران را نسبت به اقتصاد کشورهای اروپایی آشکار کرد. بر پایه عهدنامه ترکمن چای میان ایران و روسیه، که کلیه کشورهای استعمارگر اروپایی به اعتبار اصل «دولت‌های کامله الوداد» از امتیازات آن برخوردار شدند، دولت ایران ملزم شد از اتباع روسیه و اموال منقول و غیرمنقول آنها در هر نقطه از ایران حمایت کند. بر همین اساس، بازرگانان روسی امتیاز تجارت هر نوع کالا و معافیت از حقوق گمرکی را - جز یک بار هنگام ورود یا خروج، آن هم به میزان صدی پنج- به دست آوردند. طبق مواد این عهدنامه، در صورتی که اتباع روسیه مرتکب جرم و جنایت می‌شدند، محاکمه آنان جز با حضور مأمور سفارت روسیه امکان‌پذیر نبود. این همه در شرایطی بود که از کالاهای تولید شده داخلی در ایالات و شهرهای مختلف، با عناوین گوناگون (از جمله راهداری و دروازه بانی) چند بار عوارض دریافت می‌شد. در برابر آن، تاجران خارجی، تنها پنج درصد، آن هم تنها یک بار برای ورود کالاهای خارجی یا حتی صدور کالاهای ایرانی می‌پرداختند (همان: ص ۴).

به نوشته یکتایی: «نظامنامه گمرک ایران نیز در زمان ناصرالدین شاه تنظیم و انتشار یافت. نظامنامه گمرک در سی و دو فصل در زمان امین‌السلطان اول پدر میرزا

علی اصغر خان امین‌السلطان به وسیله یوسف خان گمرکچی مامور گمرک فارس و کتابچی خان که سمت او قانون نویس بود، تنظیم شد و وظائف گمرکی از تسلیم اظهارنامه تا ترخیص کالای گمرکی در آن تنظیم شده بود. در این زمان قسمتی از عایدات گمرک، جزو دستورالعمل‌های مالیاتی نوشته می‌شد. سال 1268ق. در زمان سلطنت ناصرالدین شاه، جمع درآمد گمرک را 8000000 قران ضبط کرده‌اند و شاید بر این مبلغ درآمدی از بابت عایدات جنسی نیز افزوده می‌شد... بر اثر خرابی وضع مالی، ناصرالدین شاه تصمیم گرفت نخستین کابینه معمول در کشورهای فرنگ را تشکیل دهد. امین‌الدوله صدراعظم شد و او مرد اصلاح طلبی بود و دست به اصلاحاتی زد. از جمله در سال 1292ق. وزارت گمرک تشکیل شد و گمرکات کشور زیر نظر وزیر گمرک قرار گرفت و زمانی گمرک و پستخانه یک وزارتخانه شد» (یکتائی، 1355: 47-48).

وضعیت گمرکی کشور پیش از ورود و استخدام مستشاران بلژیکی بسیار آشفته و نمونه‌های فراوانی از نارضایتی مردم و زورگویی‌ها و تعدی مأموران گمرک در اسناد دیده می‌شود. البته نه فقط ظلم و تعدی و اجحاف، بلکه موارد دیگری را نیز می‌توان به فهرست وضعیت ناپسند گمرکات افزود:

1. زد و بند تاجران ایرانی با تاجران خارجی و ورود مال التجاره خارجی به عنوان مال التجاره ایرانی، تا گمرک کمتری از مال التجاره خارجی‌ها گرفته شود. (آرشو اسناد وزارت امور خارجه، اسناد مکمل، 179-148-1293 ق.).
2. زد و بند تاجران معتبر با مباشران گمرک در مقاطعه دادن تمام مال التجاره خود به قیمت معین و تحمیل این هزینه بر دوش تاجران ضعیف تر.

۳. تقلب و ارائه ۳ بارنامه از یک مال‌التجاره برای اجناس انگلیسی با نرخ‌های متفاوت به منظور پرداخت حق گمرکی کمتر (همان: ۱۳۱۷-۱۷-۲۴-۲۳ ق.).

۴. خودداری از ثبت مال‌التجاره در گمرکات (همان: ۱۳۱۸-۱۹-۱۹-۱۶ ق.).

وضع در بارهٔ محموله‌های خارجی، قدری پیچیده‌تر بود: بنابر اسناد، تاجران انگلیسی در جنوب ایران، با طرح خواسته‌های خود از طریق سرکنسولگری انگلیس به وزارت امور خارجه، در واقع دربارهٔ وضعیت نابسامان گمرکات جنوب و روند ناسالم ادارهٔ آن، گزارش می‌دادند؛ مواردی از این قبیل: لزوم استقلال امور گمرکی از دولت، تعیین حامل باشی به عنوان فردی حقوق بگیر دولت تا از مال‌التجارهٔ خارجی‌ها چیزی ندرزد و اینکه حامل باشی در عین حال کلانتر نباشد، زیرا در غیر این صورت، دیگر نمی‌توان شکایات از حامل باشی را نزد کلانتر مطرح کرد (همان: ۱۳۱۷-۱۷-۲۴-۲۷ ق.).

مسیو نوز بلژیکی

فکر استخدام بلژیکی‌ها در بهار ۱۳۱۴ ق. / ۱۸۹۷ م. و در جریان سفر ناصرالملک به اروپا پدید آمد. البته مقامات بلژیکی هم گمان می‌کردند که ادارهٔ گمرک ایران به دست مأموران بلژیکی، آثار بسیار مهمی بر صنعت و تجارت کشورشان خواهد داشت (دستره: ۱۳۶۳، ۳۱). با این همه، ملاحظه خواهد شد که حضور مأموران گمرک بلژیک در ایران، چندان هم به سود تجارت خارجی و دیگر طرح‌های بلژیک نشد؛ به استثنای سفارش خرید ماشین ضرب سکه در سال ۱۳۱۸ ق. / ۱۹۰۰ م. از بروکسل. به هر حال، دولت بلژیک در سال ۱۳۱۴ ق. / ۱۸۹۷ م. با این طرح موافقت کرد و امیدوار بود که

حضور کارشناسان بلژیکی در ایران، نه تنها به نفع حیثیت آن کشور خواهد بود، بلکه به رشد تجارت و صنعتش نیز یاری خواهد رسانید.

قرارداد در سال 1315ق. / ژانویه 1898م. منعقد شد و یک رئیس کل با حقوق 35000 فرانک در سال و دو نفر بازرس هر کدام با 22500 فرانک حقوق استخدام شدند. میرزا جواد خان سعدالدوله وزیر مختار ایران در بلژیک، یکی از عوامل مؤثر در استخدام بلژیکی‌ها بود، اما بعدها و در جریان مشروطه، به یکی از دشمنان اصلی نوز و بلژیکی‌ها تبدیل شد.

از آنجا که گمرکات جدید بر خلاف دیگر اداره‌های مالی ایران، عایدات منظم و چشمگیر داشت و حقوق کافی و منظم به کارمندان خود می‌داد و برای کسانی که می‌خواستند از خزانه دولت استفاده کنند، نقد و پا برجا محسوب می‌شد، پس از چندی اهمیت بسیار یافت و رئیس بلژیکی آن در ردیف مؤثرترین رجال دولت ایران در آمد: همه درباریان به او تملق می‌گفتند و خارجیان با او سر و سر داشتند (ملک زاده، 1363: 1/ 228). در آن زمان، حقوق و مواجب بیشتر کارمندان دولت و مستمری بگیران به ولایات حواله می‌شد و وصول آن اشکال بسیار داشت و حتی کسانی که در دستگاه دولت اعتباری نداشتند و با حکام ولایات دمخور نبودند، مواجب خود را به قیمت نصف و ثلث به متصدیان امور مالی و دلال‌های دولتی می‌فروختند. بنابراین، همه مواجب بگیرها کوشش می‌کردند در اداره گمرک راهی بیابند و با رئیس بلژیکی آن آشنا شوند تا بتوانند مواجب خود را نقد و بدون کسر از خزانه گمرک دریافت کنند. این علل و عوامل، سبب افزایش نفوذ نوز شده بود (همان: 228).

روایت ملکزاده بیان همه ماجرا نیست. نخستین و شاید یکی از مؤثرترین عوامل افزایش اعتبار و نفوذ نوز و جلب توجه در میان دولتمردان ایرانی، موضوع رسیدگی به ماجرای تاجر ایتالیایی کنسونو بود: «وی [نوز] بدون دستور و مجوز به بررسی بایگانی رسمی که در اختیار وی قرار گرفته بود، مشغول شد و ضمن مطالعه بایگانی به پرونده دعوای شرکت ایتالیایی کنسونو و دولت ایران برخورد و چون به نظرش رسید که در این دعوا، حق با دولت ایران است، یادداشتی تهیه و آن را به حکمیت پادشاه سوئد واگذار کرد. چون این دعوا به نفع دولت ایران ختم شد، نوز بین رجال این کشور شهرت و احترام زیادی یافت» (دستره: ۱۳۶۳، ۳۴).

وی، مقاطعه کاری گمرکات را که از زمان شاه سلیمان صفوی برقرار بود و گمرک داخلی و اجاره‌داری و راهداری و حقوق خانات و عوارضی از قبیل قپان‌داری را به هر اسم و رسم به موجب فرمانی از مظفرالدین شاه، لغو کرد (یکتائی: ۱۳۵۵، ۵۶). نوز توانست طرح اصلاحات خود را که حاوی برنامه جدید تشکیلات و کار گمرک و قوانین جدید گمرکی بود، به تصویب هیأت وزرا برساند. نفوذ او در میان سیاستمداران ایرانی چندان افزایش یافت که در باره مسائل اداری خارج از تخصصش نیز با وی مشورت می‌شد.

نوز در سال ۱۳۱۵ق./ ۱۸۹۸م. موجب عزل وزیر گمرک و انتصاب شخص دیگری گردید که به زعم وی مناسب‌تر بود و سخن از استخدام مأموران جدید بلژیکی به میان آورد. اول ماه فوریه ۱۸۹۹م. شاه در فرمانی، موقعیت نوز را تأیید کرد و فداکاری و لیاقت و درستکاری وی را ستود و انگشتر الماسی به او بخشید. (همان: ۱۳۶۳، ۳۶). اگر چه شمار بلژیکی‌ها در گمرکات کم بود، اما فعالیت‌های آنها زود نتیجه داد و درآمد گمرکات در سال اول به دو کروور و چهارصد و شش هزار و چهارصد و چهل و چهار

تومان رسید و در کل، 40٪ درآمدهای گمرکی افزایش یافت. نوز گزارش مفصلی به حضور شاه تقدیم داشت و یک سال بعد، درآمد گمرکات به چهار کرور و هشت هزار و پانصد و شصت تومان رسید.

در ذیقعه 1317ق. اجاره‌داری گمرک در آذربایجان و کرمانشاه منسوخ شد و دولت خود، درآمدهای گمرکی را در دست گرفت و چون حاصل کار خوب بود، یک سال بعد برای گردآوری درآمد گمرک و خزانه و اداره هماهنگ کشور و جلوگیری از حیف و میل اموال، همه گمرکات را در اختیار گرفت.

در سال 1317ق. / مارس 1900م. نوز همکاران تازه‌ای از بلژیک به ایران دعوت کرد و گمرکات انزلی، کرمانشاهان، بوشهر و بندرعباس را به آنان سپرد. سال‌های پیش، درآمد کل از این راه در حدود سالی ششصد هزار تومان بیش نبود. بنابر درخواست و پیشنهاد مستشاران بلژیکی در هجدهم ذی الحجه 1318 شاه فرمانی برای تأسیس گمرک صادر کرد که بنا بر آن، اجاره گمرکخانه‌ها و راهدارخانه‌ها و دریافت حقوق گمرکی وسیله مقاطعه‌کاران و عوارض و نواقل وسیله اجاره‌داران لغو شد و امور گمرک به کلی به عهده نوز محول گردید.

روابط دوستانه میان دو کشور، به سبب نتایج مثبت فعالیت بلژیکی‌ها افزایش چشمگیر یافت. این موضوع به ویژه از اعطای انواع نشان‌ها از سوی دو کشور به اتباع دو طرف آشکار می‌شود: مکاتبات میان سال‌های 1320 تا 1323ق. شامل موارد فراوانی از اعطای مدال و نشان به ویژه از طرف دولت ایران به اتباع بلژیکی است (71-2-25-1321ق.). اعطای نشان‌های مختلف از سوی دولت ایران به جایی رسید که سفارت بلژیک در تهران از وزارت امور خارجه ایران خواست تا بدون هماهنگی با سفارت بلژیک

در تهران، به اتباع این کشور نشانی اعطاء نشود، زیرا بنا بر قوانین داخلی بلژیک، اعطای نشان به اتباع این کشور، می‌توانست برای دولت بلژیک در دسرهای حقوقی ایجاد کند (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: 101-1-25-1321 ق.). در بسیاری از موارد، نشان‌های اعطائی به بلژیکی‌ها، بسیار بالاتر از نشان‌هایی بود که در بلژیک دریافت می‌کردند و این مسأله، مغایر قوانین داخلی اعطای نشان در آن کشور محسوب می‌شد.

اهدای یک تخته قالی نفیس کرمان از سوی شاه ایران به لئوپولد پادشاه بلژیک (همان: 2-15-9-1320 ق.) و پیشکش یک قطعه برلیان از سوی سفارت بلژیک در ایران برای شاه (همان: 20-5-30-1318 ق.) و بسیاری از موارد مشابه دیگر، نشانه‌ای از روابط دوستانه میان سران دو کشور است.

بنا بر اسناد موجود، در تشکیلات وزارت امور خارجه و در اداره دولت‌های غیرهمجوار، معدل‌السلطنه سال‌ها مشغول انجام امور مربوط به بلژیک و هماهنگی با سفارتخانه‌های دو کشور بود^۱ و به سبب جدیت و دقت در امور، مقامات برای وی از دولت بلژیک تقاضای دریافت نشان کرده بودند (همان: 26-10-4-1325 ق.).

در خصوص انتصاب نوز، از دیدگاه آنت دستره: «سفری که شاه در سال 1319 ق./ 1902 م. به اروپا کرد... در وهله اول نشان می‌دهد که چرا نوز از پایان سال 1318 ق./ 1901 م. علاوه بر عنوان رئیس کل گمرکات، عنوان وزیر دولت را نیز داشت. او طبق قرارداد استخدام، تحت فرمان صدراعظم بود و می‌بایست در مسائل اداری گمرک به او جوابگو باشد، چون شاه می‌خواست صدراعظم را با خود به اروپا ببرد، از آن پس می‌بایست به نوز، استقلال داده شود تا در غیاب شاه و صدراعظم بتواند تصمیم بگیرد و

1. این پست امروزه در وزارت خارجه ایران، مسئول میز یا Chief Desk نامیده می‌شود.

اصلاحات را ادامه دهد» (دستره: 1363، 68)؛ در حالی که به نظر صفی نیا، مؤلف کتاب *استقلال گمرکی ایران*، نوز با فشار روس‌ها بر دولت ایران، وزیر گمرکات شد تا بتواند زمینه‌های انعقاد قرارداد گمرکی جدیدی میان ایران و روسیه را فراهم آورد. بعدها ایرانیان، از تعیین نوز به عنوان وزیر، انتقاد کردند و گفتند که صلاح نبود این چنین حدی از مسئولیت و حتی سرپرستی وزارتخانه‌ای به یک نفر بیگانه محول گردد (همان: 57-56). از سوی دیگر، نفوذ نوز میان مقامات و دربار ایران، نشان می‌دهد که وی در جریان بسیاری از وقایع و مسائل محرمانه دربار قرار داشته است؛ مثلاً در روزنامه پتی بولوی بلژیک در تاریخ اول ژوئیه 1906، بنا بر خبر دریافتی از استانبول، مسیو نوز از تصمیم پادشاه ایران مبنی بر عزل عین‌الدوله صدراعظم، مطلع بوده است (همان: 105-1324-21-1/2 ق.).

نوز بلژیکی، خائن یا خادم؟

در موضوع خدمت و خیانت نوز بلژیکی و نقشی که در جریان نهضت مشروطیت در ایران داشت، تاکنون نظرات بسیاری در کتاب‌ها و مقالات مختلف نوشته شده است؛ به ویژه نویسندگان و پژوهشگران در تاریخ مشروطه، بیشتر از نقش و تأثیر منفی وی بر جریان نهضت مشروطه سخن به میان آورده و بسیاری نیز او را "خائن" تلقی کرده‌اند. در همان دوره، عده‌ای بر این نظر بودند که تعرفه‌های جدید نوز، به طور کلی به زیان تاجران ایرانی و به سود تجارت و بازرگانی کشورهای دیگر بوده است و ایرانیان از شرایط جدید، بسیار متضرر شدند: انتشار عوارض جدید گمرک و اجرای آن در فوریه 1903 م. رویدادی بود که به طور مستقیم به اداره و مأمورین گمرک ایران مربوط می‌شد

و از ابتدا در همه کشور، مخالفت شدیدی پدید آورد. تجار در سرحدات اعتصاب کردند و کالاهایی که از گمرک نمی‌گذشتند، در آن اداره روی هم انباشته شدند. حکام ولایات بجای کمک به مسئله گمرک، نارضایتی خود را ابراز می‌داشتند و خوانین محلی فقط در مقابل بخشش و مستمری قبول می‌کردند که با اصلاحات موافقت نمایند (دستره: 1363، 78). از سوی دیگر، نامه‌های بسیاری از سوی تجار، علما و افراد ذی نفوذ و معتبر برای مقامات دولتی، به ویژه به وزارت امور خارجه ارسال می‌شد، مبنی بر شکایت از ظلم و تعدی بلژیکی‌ها در اداره امور گمرکات و نرخ تعرفه‌های جدید بر کالاهای مختلف و اظهار نگرانی خود از اینکه «امور مسلمین در ید قدرت اجنبی‌ها، به خصوص بلژیکی‌هاست» (آرشیو وزارت امور خارجه: 2-1-19-1318ق.). این شکوائیه‌ها از طریق وزارت امور خارجه به اداره گمرکات فرستاده می‌شد و پس از دریافت پاسخ مقتضی از نوز، آنها را مستقیماً برای فرستادگان نامه‌ها می‌فرستادند یا فحوای پاسخ آنها، با امضای شخص وزیر امور خارجه وقت، مشیرالدوله به مقاصد مربوطه فرستاده می‌شد. از همین مکاتبات، می‌توان جریان عملکرد و اداره گمرکات و تفاوت‌ها در روند اداری آن را قبل و بعد از تصدی‌گری بلژیکی‌ها دریافت. بنا بر اسناد، دولتمردان ایران می‌کوشیدند تا از درجه حساسیت نسبت به نحوه اداره امور گمرکات ایران به دست بلژیکی‌ها نزد تجار، علما و عوام و از آن چه که تجار و علما در عریضه‌های خود، «مفاسد بلجیکی و بدعت‌های جدید» می‌نامیدند، (همان: 10-3-19-1318ق.)، بکاهند و اختیار اداره امور را در دست دولت مرکزی نشان دهند. آنها بر این نکته تاکید داشتند که «گمرک کما فی‌السابق جزو یکی از ادارات دولت [بوده] و به بلژیکی‌ها واگذار نشده منتها چند نفر بلژیکی که مستخدم دولت هستند، رئیس کار هستند باقی عملجات و اجزا تماماً ایرانی

می‌باشند» (همان: 5-1-19-1318ق.). به نظر بسیاری از مورخان و پژوهشگران تاریخ مشروطه، از جمله کسروی و ملکزاده، انعقاد قرارداد گمرکی نوز با روس‌ها که سرتاسر آن به سود روس‌ها بود، موجب تنفر عامه از وی گردید و همین عمل ناروای وی، موجب خشم مردمان روشنفکر و وطن‌پرست شد و کینه او را در دل گرفتند و منتظر فرصت بودند تا او را از کار برکنار کنند (ملک زاده: 1363، 228).

در نظر انگلیسی‌ها، سلطهٔ مأموران بلژیکی بر گمرک آذربایجان، بدون اعتراض روس‌ها، دلیل کافی است بر این نظر که بلژیکی‌ها به نفع روس‌ها کار می‌کنند. (دستره: 1363، 42). به ویژه از هنگامی که بانک استقراضی، در سال‌های 1900 و 1902م. دو قرضه به دولت ایران داد، بدبینی انگلیسی‌ها به نوز و همکاران بلژیکی‌اش بیشتر شد. از نظر انگلیسی‌ها مأموران بلژیکی با افزایش عایدات گمرکی ایران، موجبات و انگیزهٔ اخذ این قرضه‌های بزرگ را فراهم آوردند (شاهدی: 1381، 427). حتی ادوارد براون به این نتیجه رسیده است که محدودیت نفوذ انگلیس در ایران از زمان استقراض روسیه و ادارهٔ گمرک ایران به دست بلژیکی‌ها آغاز شد و آنها را "شغال روس‌ها" نامید (دستره: 1363، 42). نوز که در سال 1901م. در تنظیم قرارنامهٔ جدید گمرکی میان ایران و روسیه نقش قابل توجه داشت، باز هم خشم انگلیسی‌ها را برانگیخت و این وضعیت تا سال‌های منتهی به مشروطیت کماکان ادامه داشت.

قرارنامهٔ جدید گمرکی، که از شروط دولت روسیه و بانک استقراضی برای اعطای وام سال 1902م. به حکومت ایران بود، چنانکه پیش‌تر به آن اشاره شد، علاوه بر انگلیسی‌ها، موجبات خشم و ناضایتی گروه چشمگیری از تجار و کسبهٔ ایرانی را نیز فراهم کرد (شاهدی: 1381، 427). باری، بر اثر فشار دولت انگلیس در 9 فوریه 1903

قرارداد جدید گمرک در هفت فصل، کاملاً مانند قرارداد به نفع روس، به نفع انگلستان تنظیم شد و حتی پنج روز قبل از اجرای قرارداد ۱۹۰۱ م. روسیه به امضاء رسید. انعقاد این قراردادها نه تنها کمکی به درآمد کشور نکرد، بلکه موجب کاهش درآمد کشور نیز شد؛ به طوری که درآمد گمرک از مبلغ ۳۴ میلیون قران در سال ۱۹۰۳ م. به ۳۱ میلیون قران در سال ۱۹۰۶ م. کاهش یافت. در این میان، تاجران جنوب از این وضع بیشتر زیان می‌دیدند، زیرا علاوه بر پرداخت مالیات باید عوارض و مالیات گوناگون مثل راهداری، قپانداری، سرریگی، میدانی و دلالی را نیز می‌پرداختند (رهبری: ۱۳۸۷، ۵۵).

انگلیسی‌ها نه تنها به موضوع همکاری میان نوز و روس‌ها، بسیار حساس شده بودند و فعالیت‌های نوز را زیر نظر داشتند، بلکه در باب روابط نوز با سایر کشورها از جمله آلمان و عثمانی نیز، جانب احتیاط را از دست نداده بودند، «زیرا در تاریخ ۱۳۲۴ ق. / ۱۹۰۶ م. مذاکرات بین ایران و عثمانی از سر گرفته شد. آلمان در این زمان سعی کرد وساطت نماید. ترک‌ها در مرز کردستان بیشتر فشار آورده و به خاک ایران هجوم بردند. راپرت اداره گمرک سردشت - محلی که مقر سربازان ترک شده بود - حاکی از بدرفتاری ترک‌ها، بازداشت مردم و جریمه‌های غیرعادلانه و جلوگیری از وصول مالیات گمرک بود. به مرور، پیشرفت قوای ترک شدت یافت و در ماه اوت ۱۹۰۷ م. ارومیه در خطر قرار گرفت و در آخر همین سال ساوجبلاغ را اشغال کردند» (دستره: ۱۳۶۳، ۱۵۷). گزارش محرمانه سِر اوکانور به سِر ادوارد گری، در ۱۷ آوریل ۱۹۰۷ (به شماره ۲۳۱)، مربوط به همکاری نوز و آلمانی‌ها در تحدید حدود ایران و عثمانی، شامل نکات جالبی از روابط نوز با دیگر کشورهاست.

انگلیسی‌ها مسائل مالی ژوزف نوز و جزئیات مذاکرات وی برای دریافت وام از روس‌ها را به دقت زیر نظر داشتند. سر اسپرینگ رایس در گزارشی به سِر ادوارد گری (20 مه 1907) در باره مذاکره با وزیر دارایی و صدراعظم سابق ایران به نکته‌های جالبی اشاره کرده است: «نوز در دوران صدارت عین‌الدوله، کلیه امور مالی ایران را در کنترل خود داشت ولی نمی‌توانست در مقابل خواست‌های شاه و نخست‌وزیر که به میل خود، هر وقت می‌خواستند حواله صادر می‌کردند، مقاومت و خودداری کند. اگر چه نمی‌بایستی از او انتظار داشت که فرمان‌های آنها را انجام ندهد، معهدنا بهترین راه برای او این بود که به جای تسلیم شدن به دستورهای اربابانش، استعفا نماید. گوینده این اطلاعات می‌گفت که بدون کمترین تردیدی او نه تنها با آنها مخالفت جدی نمی‌کرده بلکه حتی آنها را به ولخرجی ترغیب می‌نموده است، چه، علاقه شخصی او در این بوده است تا ایران را به جائی برساند که محتاج به وام خارجی گردد. بر حسب اظهاراتی که مشیرالدوله محرمانه به این جانب شرح داد، وقتی در تابستان گذشته مقامات مالی روسیه اصرار داشتند که قراردادی برای پرداخت وامی به مبلغ دو میلیون (بیست کرور تومان) منعقد گردد، شرائط این قرارداد طوری بود که دولت ایران را تحت سلطه و اختیار روسیه تزاری قرار می‌داد، دولت روس، مسیو نوز را به پترسبورگ دعوت نمود و مقامات روسیه به دولت ایران جداً اصرار کردند با این دعوت موافقت کنند از جهت این که مأموریت وی موجبات تسهیل انعقاد قرارداد وام را فراهم خواهد نمود. شاه با این مأموریت جداً مخالفت نمود، زیرا از مدارکی که به او تسلیم شده بود، پی برده بود که مأموریت مسیو نوز به سود دولت ایران تمام نخواهد شد. وقتی که نارضائی و حملات مردم علیه دولت به صورت درخواست برای برکناری مسیو نوز درآمد، چه او را عامل

اصلی سیاست وامگیری از خارج و ولخرجی‌های داخلی می‌دانستند، مسیو نوز منتهای کوشش خود را به کار بست تا بر سرکارش باقی بماند زیرا می‌پنداشت که دولت ایران هنوز به او احتیاج دارد» (همان: ۳۲۵-۳۲۶) از سوی دیگر، رقابت میان بانک استقراضی و بانک شاهنشاهی به عنوان نمایندگان مالی دو قدرت بزرگ در ایران، می‌توانست با گرایش نوز به سمت یکی از آنها، برتری در مبادلات اقتصادی و امور کلان تجاری را نصیب بانک و کشور حامی آن کند. انگلیسی‌ها از این نکته که نوز، به بانک استقراضی و بالمآل روسیه گرایش دارد، سخت نگران بودند و باور داشتند که در آینده‌ای نه چندان دور، نبض اقتصادی در سراسر ایران به دست روس‌ها خواهد افتاد. این موضوع علاوه بر گزارش‌های انگلیسی‌ها، از مطالعه گزارش‌های سفارت ایران در پترزبورگ نیز به دست می‌آید. در نامه ۱۱ صفر ۱۳۱۹ سفارت ایران در روسیه، به وزارت امور خارجه در تهران، می‌توان نشانه‌ای از رضایت روس‌ها از فعالیت مسیو نوز و بلژیکی‌ها را به روشنی مشاهده کرد.

سرانجام شرایط به گونه‌ای رقم خورد که نوز مجبور شد ایران را ترک کند، اما بقیه کارمندان بلژیکی در مقام‌های مختلف به کار ادامه دادند. به طور کلی می‌توان گفت که شور انقلابی‌گری و تنفر از حضور و قدرت بیگانگان در ایران دوره مشروطه، به علاوه هراس از قدرت روز افزون نوز و سرانجام عکس معروف نوز در مراسم بال کوستومه^۱ در کسوت یک روحانی، انگیزه‌ای به دست داد تا به کار نوز در ایران خاتمه داده شود. البته نقش و نفوذ دو قدرت روسیه و انگلیس نیز باید فراموش نشود. حتی شماری از همکاران و همقطاران بلژیکی نوز نیز تهور وی در انجام امور خارج از حدود وظایف را از ادله سقوط وی می‌شمارند: «البته قابل ملاحظه است که در میان این آشوب‌ها، سفارت

1. Bal costume

بلژیک چندان متوجه خطر واقعی بر علیه نوز و همکارانش نبود. در راپورت‌های سفارت، بیشتر به مشکلات مالی دولت ایران و قروض شاه و پسرانش و برنامه استقراض جدید و کنترات مأمورین بلژیکی اشاره شده است» (دستره: 1363، 107). وزارت امور خارجه در مکاتبه با سفارت بلژیک در تهران، فسخ قرارداد ایران با نوز را از تاریخ 19 شوال 1325 اعلام کرد (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: 2-14-20-1325 ق.). (سند ضمیمه شماره 3). به نظر می‌رسد که اقدام مجلس ایران در پایان دادن به قرارداد نوز، تأثیر فوری بر روابط گرم دو کشور نهاد؛ به طوری که یک ماه پس از اعلام فسخ قرارداد نوز، دولت بلژیک از دولت ایران خواست تا نشان لئوپولد را که از طرف دولت آن کشور به مظفرالدین شاه اهداء شده بود، بازگرداند (همان: 47-8-21-1325 ق.). خواسته دولت بلژیک در کارنامه دیپلماسی این کشور نیز نقطه مثبتی نیست، زیرا دولت بلژیک با داشتن نظام مشروطه سلطنتی، از جریانات سیاسی ایران آگاه بود و می‌دانست که شاه ایران با فشار مجلس، قرارداد نوز را لغو کرده است و بنابر این، پس گرفتن نشان از پادشاه، توهین آشکار به دولت ایران تلقی می‌شود.

نتیجه

بلژیکی‌ها در ایران، بیشتر با ساخت چند کارخانه از جمله کارخانه قند، راه‌آهن تهران به حضرت عبدالعظیم، مدیریت گمرکات، مالیه و پست و ماجرای نوز در جریان نهضت مشروطه و روند تهیه متمم قانون اساسی شناخته شده‌اند. پژوهش در خصوص روابط با بلژیکی‌ها نیز بیشتر حول همین موضوعات متمرکز بوده است. میانجیگری بلژیک بین ایران و انگلیس در قضیه هرات، اگر چه با امضای عهدنامه پاریس راه به جایی

نبرد، اما موجب جلب اعتماد بیشتر ایرانیان به بلژیکی‌ها شد و روند ارتباطات دیپلماتیک میان دو کشور را شتاب بخشید و زمینه سفر پادشاهان قاجار به این کشور را فراهم کرد. دو کشور در دومین عهدنامه مودت، تصمیم گرفتند که اماکن سیاسی و دیپلماتیک خود را در کشورهای یکدیگر، از دو محل به سه محل، افزایش دهند و پس از تأسیس چند کارخانه و شرکت که مبادلات تجاری و رفت‌وآمد دو طرف را افزایش داد، سفارتخانه‌های ایران و بلژیک در پایتخت‌های دو طرف تأسیس گردید. نظراً آقا یمین‌السلطنه و بارون ماکسیمیلیان درپ، نخستین وزرای مختار دو کشور بودند.

نقطه عطف روابط را می‌توان حضور مستشاران بلژیکی در قالب همکاری‌های فنی میان دو کشور دانست. آنها توانستند در مدت حضور نسبتاً طولانی خود، تغییرات قابل توجهی در نظام اداره سنتی گمرکات و پست ایران پدید آورند. تضمین بازپرداخت قرضه‌های دولت از محل عواید گمرکات، راه ورود به ایران را به روی بلژیکی‌ها گشود. به جرأت می‌توان گفت که اگر همکاری‌های فنی و استخدام مستشاران بلژیکی اتفاق نمی‌افتاد، روابط دو کشور، بسیار یکنواخت و خالی از هرگونه تحول ملموس و آشکار ادامه می‌یافت. حضور عناصر بلژیکی، بدون اطلاع و هماهنگی کشورهای ذی‌نفع در ایران یعنی روسیه و انگلیس، ممکن نبود و هر یک در محدوده مناطق تحت نفوذ، فعالیت‌های بلژیکی‌ها را رصد می‌کردند. در این میان نقش نوز به عنوان بالاترین مقام دولتی، واجد اهمیت و توجه خاص است. تاکنون داورهای در باره حضور و عملکرد بلژیکی‌ها در ایران ضدّ و نقیض بوده، اما در میان بلژیکی‌ها، یک نفر با تاریخ جنبش مشروطیت پیوند یافته است: نوز، که در اذهان عمومی همه طبقات، به ویژه تجار و علما وجهه منفی داشت. با این

همه، حضور بلژیکی‌ها در ایران، که تابعی از روابط سنتی انگلیس و روسیه بود، موجب تغییرات مثبت و مفید در نظام اداره سنتی گمرکات و پست و مالیۀ ایران شد.

منابع و مأخذ

فارسی:

اسناد

آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مجموعه اسناد مخازن قدیمه، کنسولی و نمایندگی‌های خارجی اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی از تاریخ ۱۳۱۴ تا ۱۳۳۹ قمری.

_____، مجموعه نامه‌های متبادله بین سران کشورها

کتاب‌ها

افشار، ایرج [به کوشش] (۱۳۶۵)، رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر

برومند، صفورا (۱۳۸۱)، سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر (۱۹۱۴-۱۷۶۳م)، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

بیانی، خان بابا (۱۳۷۵)، پنجاه سال تاریخ ناصری، ج ۲، چاپ اول، تهران: نشر علم.

دهباشی، علی [به کوشش] (۱۳۶۱)، سفرنامه مظفرالدین شاه قاجار به فرنگ، تهران: فرزانه.

سرای، حسین بن عبدالله (۱۳۷۳)، سفر نامه فرخ خان امین الدوله (مخزن الوقایع)، چاپ دوم، تهران: انتشارات اساطیر.

شاکریان، شاهرخ و شکوه فقیری (۱۳۷۵)، مجموعه توافقاتی ایران و سایر کشورها، تهران: اداره کل قوانین و مقررات کشور.

عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.

کاووسی عراقی، محمدحسن (۱۳۸۵)، فهرست اسناد مکمل قاجاریه (مجلدات ۱۵۳ و ۱۴۷)، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

مکاتیب فرخ خان (نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی و سازمان اسناد ایران).

وامبری، آرمینیوس (۱۳۶۵)، سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه، چاپ سوم، ترجمه: فتحعلی خواجه نوریان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

وزارت امور خارجه، (1370)، اسناد معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول، جلد چهارم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: واحد نشر اسناد.

_____، (1364)، سیاستگزاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران، تهران: دفتر آموزش و

ارزشیابی

هوشنگ مهدوی (1391)، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی،

تهران: امیرکبیر

لاتین:

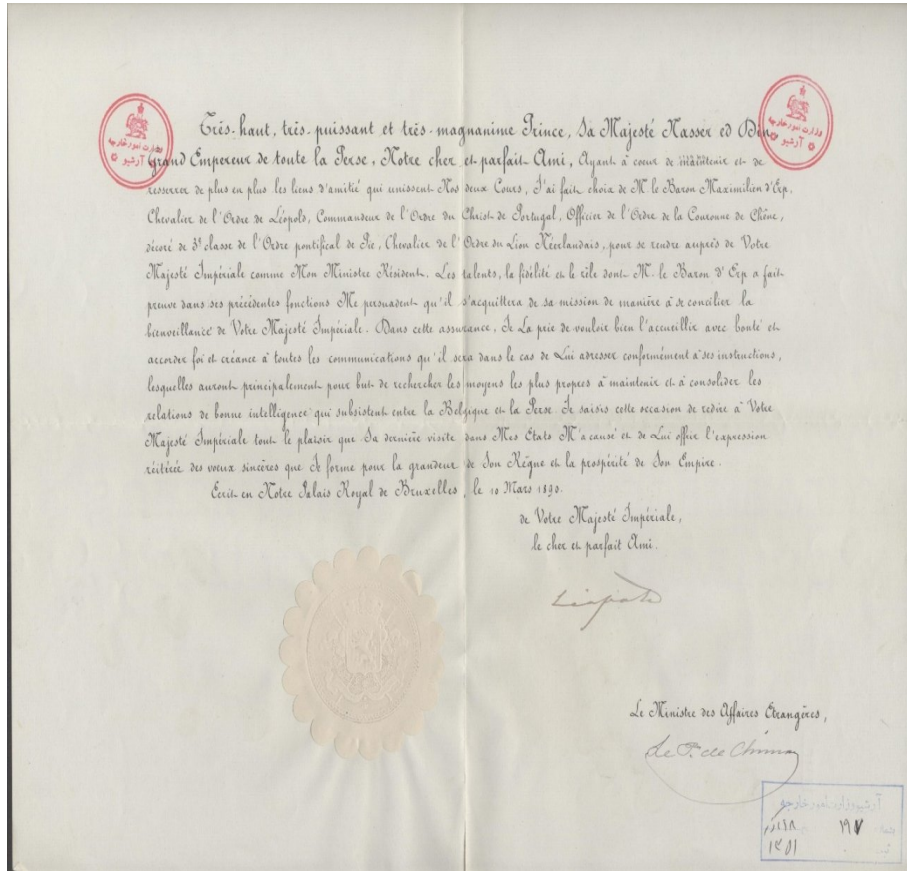
Leopold 1er et son regne. Exposition nationale, palaisroyal de Bruxelles: 25 novembre 1965-15 Janvier 1966, Archives generals du royaume.

Galaway, Le Conte Alph okelly de, Histoire des relations diplomatiques et historique des Pays-bas et dela Belgique avec la Perse depuis le XIV siècle jusquanosjours
Hommage de lauteur a S.M.I Nasser-Eddinschah de Perse.bruxelles.1873.



سند شماره 1: تصویر صفحه اول نخستین عهدنامه مودت و تجارت بین ایران و بلژیک

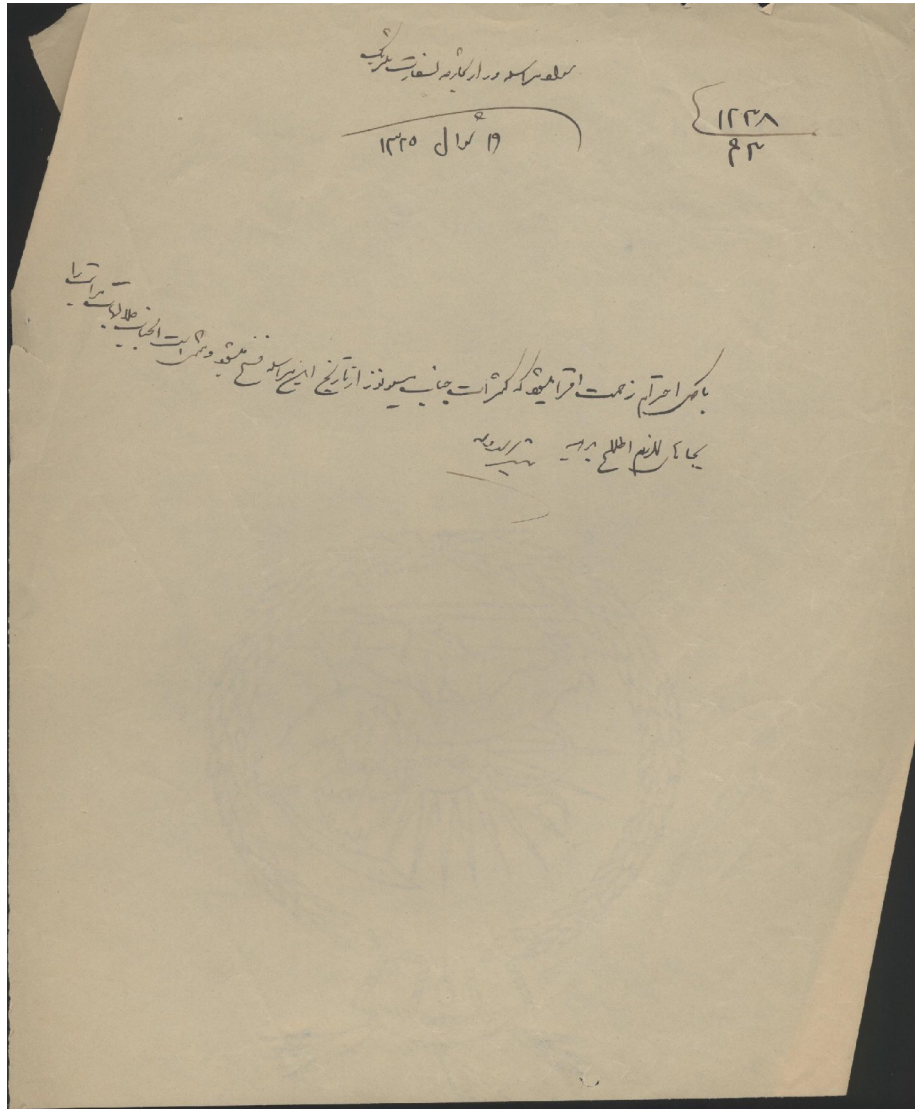
منعقدہ در ۱۴ ژوئیه ۱۸۴۱ میلادی



سند شماره 2: نامه لئوپولد اول به ناصرالدین شاه مبنی بر تعیین بارون ماکسیمیلیان

درپ به عنوان اولین وزیر مختار بلژیک در تهران (10 مارس 1890 میلادی)

مجموعه نامه‌های متبادله



سند شماره ۳: نامه وزارت امور خارجه ایران به سفارت ایران در بلژیک در خصوص

اعلام فسخ قرارداد مسیو نوز